

مریم رجوی: تروریسم جان‌مایه فاشیسم دینی و تنها راه مقابله با آن قاطعیت است

سخنرانی در سومین اجلاس جهانی ایران آزاد

۳۰ تیر ۱۳۹۹

روز دوشنبه ۳۰ تیر ۱۳۹۹، در سومین اجلاس جهانی ایران آزاد، کنفرانسی با عنوان «تروریسم رژیم ایران - سفارت‌های رژیم را ببندید و مأموران و مزدورانش را اخراج کنید»، در ارتباط زنده با مجاهدان در اشرف ۳ برگزار شد. در این کنفرانس، صدها تن از شخصیت‌های سیاسی از آمریکا و اروپا از جمله از کشور آلبانی، میزبان مجاهدین و شماری از نمایندگان کنگره آمریکا شرکت داشتند و به سخنرانی پرداختند.

در این کنفرانس، مریم رجوی این سخنرانی را ایراد کرد:

قانون‌گذاران محترم،

دوستانی که از اروپا و آمریکا و هم‌چنین از آلبانی، کشور میزبان مجاهدان اشرفی، به این جمع پیوسته‌اید،

دوستان و حامیان مقاومت ایران!

با درود به یکایک شما، از برگزاری این کنفرانس و فراهم شدن چنین فرصتی برای دیدار با شما - ولو با فاصله - بسیار خوشوقتم.

توجه شما به مسأله ایران برخاسته از احساس مسئولیت شما نسبت به تهدیدی است که مصالح حیاتی مردم ایران و هم‌چنین مردم جهان را تهدید می‌کند. این تهدید جهانی، رژیم ولایت فقیه است؛ یعنی بانکدار مرکزی تروریسم در دنیای امروز، که همزمان با سرکوب و اعدام و قتل‌عام در ایران و جنگ‌افروزی در خاورمیانه برای دستیابی به بمب اتمی تلاش می‌کند.

تروریسم، جان‌مایه و ذاتی این رژیم و از آن جدایی‌ناپذیر است. شاید تعجب کنید اما رئیس ستاد حقوق بشر سابق این رژیم در قضاییه جلادان که دست و پا می‌برد و سنگسار می‌کند یعنی جواد

لاریجانی، از نظریه‌پردازان قدیمی تروریسم آخوندهاست. او برادر بزرگتر رئیس قبلی مجلس رژیم و در عین حال برادر صادق لاریجانی رئیس قبلی قوه قضاییه رژیم است.

در سال ۱۹۹۴، در سالگرد صدور فتوای ترور سلمان رشدی، جواد لاریجانی، تروریسم دولتی آخوندها را تحت عنوان «نوع جدیدی از قدرت» تئوریزه می‌کرد که همانا گروگانگیری و صدور حکم قتل اتباع خارجی است. او نوشت:

«تاکنون چنین می‌پنداشتند که قدرت سیاسی براساس قدرت نظامی و اقتصادی باید تعریف شود ... فتوای حضرت امام (فتوای قتل سلمان رشدی) نشان داد که سرچشمه قدرت سیاسی غیر از این دو منبع است».¹

او ادامه می‌دهد: «دنیا اگر واقع‌بین باشد، باید شأن اسلام و حکومت اسلامی را بر اساس این قدرت اذعان کند نه درجه رشد اقتصادی ...». می‌بینید که عملیات تروریستی رژیم از کجا نشات می‌گیرد.

بخشی از تاریخچه عملیات تروریستی رژیم آخوندها

ما تا سال ۱۳۸۰، بیش از ۴۵۰ عمل تروریستی این رژیم را در خارج از خاک ایران، لیست‌برداری کرده بودیم که ۱۵۰ مورد آن در خاک عراق علیه مجاهدین بود؛ از قبیل بمب‌گذاری بر سر راه اتوبوس یا کامیون انفجاری در پایگاه مجاهدین و یا حمله با آر.پی.جی. ۸ به خانه مسکونی مادران مجاهدین در بغداد.

قسمت دیگری از فهرست تروریسم آخوندها در خارج از خاک ایران، کشتار مجاهدین و دیگر گروه‌های ایرانی در کردستان عراق، پاکستان، ترکیه، سوئیس، ایتالیا، فرانسه، آلمان، اتریش و قبرس بود.

حالا به بخش دیگری از تاریخچه تروریسم آخوندها توجه کنید:

گروگانگیری و قتل اتباع خارجی در لبنان،

انفجارهای سال ۱۳۶۲ در بیروت و کشتن ۲۴۱ نظامی آمریکایی و ۵۸ نظامی فرانسوی تحت نظارت پاسداری که بعداً وزیر دفاع آخوند روحانی رئیس جمهور کنونی رژیم شد،

۱- جواد لاریجانی مقاله "نوع جدیدی از قدرت" - اطلاعات 28 بهمن 172

کشتار مردم بیگناه در خیابان‌های پاریس در ۱۳۶۵،
کشتار زائران خانه خدا در مکه در ۱۳۶۶،
انفجار آرژانتین در ۱۳۷۳ با ۲۷۵ کیلو مواد انفجاری در مرکز یهودیان با ۸۸ کشته و ۱۵۱ زخمی،
انفجار خوبر در ۱۳۷۵ که ۱۹ نظامی آمریکایی را کشت و ۵۰۰ نفر را زخمی کرد. این‌ها علاوه بر
ده‌ها فقره هواپیمارمایی و جنایت‌های تروریستی دیگر است.

اما از سال ۱۳۸۲ و بعد از جنگ در عراق و اشغال خزنده این کشور توسط آخوندها، ما دیگر با
ماکروتروریسم روبه‌رو شدیم. از این نظر بیلان آخوندها در افغانستان، یمن، لبنان و بیش از همه در
سوریه و عراق هولناک است. انفجارهای تروریستی در میان جمعیت‌های انبوه، تخریب مراکز
مذهبی یا مدارس، ترور متخصصان و دانشمندان، آدم‌ربایی، مثله‌کردن، تحمیل جابه‌جایی اجباری
و آواره کردن میلیون‌ها نفر که هر کدام ابعاد شوکه‌کننده‌ی دارد. فقط به آمار مربوط به نیروهای
آمریکایی اشاره می‌کنم که سپاه پاسداران به‌طور مستقیم، دست کم باعث مرگ ۶۰۸ نظامی
آمریکایی در عراق بوده است. می‌توانید حدس بزنید که در داخل ایران، بر زنان ایران و بر ملیت‌ها
و بر پیروان سایر ادیان چه گذشته است.

یک نمونه‌اش جنایت موحش حجاریان مشاور آخوند خاتمی رئیس‌جمهور قبلی رژیم و نظریه‌پرداز
اصلاح‌طلبان قلبی بود. مدیرکل رادیو و تلویزیون رژیم از جناح رقیب در مورد او گفت: او حجاریان
«در همین شیراز یکی از منافقین [اعضا مجاهدین] را بازجویی می‌کرد، این آدم را به درخت بست
و دستش را با طناب به تراکتور بست و با تراکتور حرکت کرد تا بازوی این فرد کنده شد...»²
این‌ها شیوه‌های رژیمی است که بیش از ۴۰ سال است خود را با سرکوب و تروریسم حفظ کرده
است. اما باید بگوییم که شیطان‌سازی هم آن روی سکه تروریسم و زمینه‌ساز و هموارکننده راه آن
است.

چرا آخوندها به این رسوایی‌ها تن می‌دهند؟

زیرا چنان که مسعود گفته است: «اگر روزی رژیم از صدور ارتجاع و تروریسم به خارج از ایران
دست بردارد و به داخل مرزهای ایران محدود شود، ... رژیم آخوندی از درون فرو می‌ریزد و
متلاشی می‌شود.»

۲ - حسین اربابی فر ، خبرگزاری حکومتی ایسنا - 81/7/1

می‌دانید که در دو سال اخیر، رژیم آخوندها به‌طرح‌ها و عملیات تروریستی متعددی دست زده است.

در سال ۹۷ وقتی که سران رژیم ایران، یک کشتار تروریستی علیه گردهم‌آیی ایران آزاد در پاریس را طراحی کردند. تروریست‌ها با بمبی که قرار بود منفجر کنند، توسط پلیس بلژیک توقیف شدند. دیپلمات رژیم که بمب را در دست آن‌ها گذاشته بود، بیش از دو سال است که در زندان بسر می‌برد.

هفته پیش محاکمه این دیپلمات و سه همدستش در بلژیک شروع شد. این نخستین بار است که یک دیپلمات در اروپا به‌خاطر مشارکت مستقیم در تروریسم محاکمه می‌شود. دیپلمات دستگیرشده رژیم با استفاده از امکانات دیپلماتیک، اجرای این طرح را تحت نظارت مقامات بالاتر وزارت اطلاعات و خامنه‌ای و روحانی به‌عهده داشت.

دو طرح تروریستی که رژیم در بهار و سپس تابستان ۹۷، علیه مقاومت ایران تدارک دیده بود، بزرگترین طرح‌های تروریستی تاریخچه ۴۰ ساله این رژیم در اروپاست.

این نشان می‌دهد که رژیم، همین مقاومت و همین آلترناتیو دمکراتیک را تهدید اصلی موجودیت خود می‌داند و برای مقابله با آن از ارتکاب هیچ جنایتی رویگردان نیست. به نحوی که مقام‌های رسمی خودش را هم برای نقل و انتقال بمب به‌صحنه می‌فرستد.

درست شش روز پس از شروع قیام دی ۹۶، پاسدار شمخانی دبیر شورای عالی امنیت رژیم گفت: مجاهدین «پاسخ مناسب از ایران را از جایی که نمی‌دانند، دریافت خواهند کرد». یعنی آخوندها برای مهار قیام‌ها، نیروی رهبری‌کننده آن را نشانه گرفتند.

از قرار معلوم، رژیم قصد داشت پس از انفجار تروریستی در گردهم‌آیی مقاومت، مدعی شود که این انفجار توسط خود مجاهدین صورت گرفته و نتیجه اختلاف درونی آن‌هاست. به‌همین منظور، از مدتی پیش از همین طرح، مزدوران اطلاعات بدنام رژیم در اروپا، یک کارزار پخش دروغ درباره قتل‌های مشکوک در درون مجاهدین راه انداخته بودند.

دوستان گرامی،

اکنون که پرونده یکی از طرح‌های تروریستی بزرگ رژیم در یک دادگاه اروپایی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، فرصت مناسبی است که به چند سوال پایه‌یی در این خصوص بپردازیم.

اول این که سیاست اشتباه و سیاست صحیح در قبال تروریسم این رژیم چیست؟
دوم: مهم‌ترین شگردهای این رژیم برای ارتکاب عملیات تروریستی چیست؟
و سرانجام این که چه اقدام‌هایی باید در برابر آن در پیش گرفت؟

اشتباهات فاجعه‌بار دولت‌های غرب در مقابل تروریسم رژیم آخوندی

دولت‌های غرب تا به حال اشتباهات فاجعه‌باری در این خصوص داشته‌اند؛ از جمله درست همان‌گونه که رژیم خواسته، تروریسم‌اش را به حساب قدرت رژیم گذاشته‌اند. حال آن که همواره میان بالا گرفتن قیام‌ها و تشدید معضلات اجتماعی و اقتصادی رژیم با رو آوردن‌اش به تروریسم، یک رابطه مستقیم وجود داشته است.

اشتباه دیگر، مماشات دولت‌های غرب با رژیم در سال‌های گذشته است. در حقیقت این نه قدرت رژیم، بلکه سیاست مماشات بود که توسعه تروریسم و بنیادگرایی رژیم را ممکن کرد. آخوندهای حاکم هم هر نوع مماشات و چشم‌پوشی دولت‌های غرب را تا به حال به معنی ضعف آن‌ها تعبیر کرده، به تهاجم هرچه بیشتر ترغیب شده‌اند.

اشتباه دیگر، این انتظار واهی بود که گویا فاشیسم مذهبی، با دریافت امتیاز و مشوق، روزی از تروریسم دست می‌کشد. یا این که گویا از اردوی وحوش حاکم، میانه‌روهایی سر برمی‌دارند و آن را به اصلاح و اعتدال می‌کشانند. رژیم البته، مشتی آدم‌کش منفور را با ماسک اصلاح‌طلبی روی صحنه آورد، همه مشوق‌ها را هم بلعید، اما از تروریسم دست نکشید.

سیاست صحیح در مقابل رژیم آخوندها قاطعیت است

اما سیاست صحیح چه بود و چیست؟ سیاست صحیح در یک کلمه خلاصه می‌شود: قاطعیت؛ یعنی بستن قاطعانه همه زمینه‌های فعالیت تروریستی رژیم و واکنش قاطعانه به‌هریک از طرح‌های جنایت‌بارش.

حال به‌دومین سوال می‌پردازیم: فاشیسم مذهبی از چه شگردها و تاکتیک‌هایی برای پیشبرد اهداف تروریستی در اروپا استفاده می‌کند؟

روشن است که از امکانات قانونی، دیپلماتیک، بانکی و تکنولوژیک کشورهای غرب و شرایط دمکراتیک آن‌ها سوءاستفاده می‌کند. از سکوت دولت‌های غرب سود می‌برد تا اعمال تروریستی خود را انکار کند.

با همکاری‌های اطلاعاتی فریبکارانه، سرویس‌های امنیتی غرب را اغوا می‌کند و از مرآده با آن‌ها برای حفاظت تروریست‌های خود استفاده می‌کند.

مأموران خود را مخالف سیاسی و تحرکات جاسوسی و تروریستی خود را تحت عنوان مخالفت با مجاهدین رنگ‌آمیزی می‌کند.

و سرانجام این توهم را دامن می‌زند که گویا اگر دولت‌های غرب قاطعیت نشان دهند، قیمت سنگینی خواهند پرداخت. اما در همین دو سال اخیر جهان شاهد بود که این رژیم در مقابل اقدام شجاعانه دولت آلبانی و اخراج سفیر رژیم از این کشور، اخراج دیپلمات‌هایش از فرانسه و هلند، دستگیری دیپلماتش در آلمان و هم‌چنین هلاکت سردمدار نیروی تروریستی قدس، مجبور شده است دست و پایش را مقداری جمع کند و محتاط‌تر حرکت کند.

پس نتیجه می‌گیریم که باید با قاطعیت در مقابل این رژیم ایستادگی کرد.

تروریسم رژیم، در سایه سکوت، کتمان، تجاهل، چشم بستن و به‌رویی خود نیابردن رشد و نمو پیدا می‌کند. زمان آن است که این بی‌اعتنایی‌ها نسبت به امنیت و صلح مردم جهان، متوقف شود. هم‌چنان که در ابتدا گفتم، تروریسم جان‌مایه و ذاتی این رژیم و از آن جدایی ناپذیر است.

فراخوان به دولت‌های جهان

بنابراین پایان تروریسم از پایان رژیم جدایی ناپذیر است. اما می‌توان با برخی تدابیر و اقدامات سیاسی و تاکتیکی آن را لااقل در خاک اروپا مهار و متوقف کرد. به این منظور:

۱ - تمام مزایا و امکاناتی که این رژیم برای اعمال تروریستی‌اش در خاک اروپا استفاده می‌کند، باید از آن سلب شود. سفارت‌های این رژیم باید تعطیل شود.

اداره فدرال حراست از قانون اساسی آلمان در ژوئن 2019 اعلام کرد: «در آلمان شعبه وزارت اطلاعات مستقر در سفارت ایران در برلین، نقش مهمی در جاسوسی توسط سرویس مخفی دارد.

- این نمایندگی به جز اقدام به عملیات اطلاعاتی مستقل، از فعالیت‌هایی که توسط مرکز وزارت اطلاعات هدایت می‌شوند نیز پشتیبانی به عمل می‌آورد».
- اکثریت کنگره آمریکا در قطعنامه‌یی در ماه ژوئن امسال، از دولت‌ها خواسته‌اند که از فعالیت‌های مخرب هیئت‌های دیپلماتیک رژیم ایران جلوگیری کنند و سفارت‌خانه‌های این رژیم از جمله سفارت رژیم ایران در آلبانی را تعطیل کنند.
- 2 - شرکت‌های پوششی، مراکز فرهنگی و آموزشی، انجمن‌های مذهبی و به اصطلاح مساجدی که توسط رژیم ایران تأمین مالی و حمایت می‌شوند و همگی مراکز پشتیبانی جاسوسی و تروریسم رژیم‌اند، باید افشا و بسته شوند.
- 3- هرگونه تبادل مالی بین‌المللی افراد وابسته یا شرکت‌های پوششی اطلاعات آخوندها و نیروی قدس، باید به کلی متوقف شود.
- 4 - عوامل و مزدوران رژیم که تحت پوشش فعالیت‌های تجاری، فرهنگی، مذهبی یا در لباس خبرنگار، یا با ماسک مخالف و پناهنده و سیتی‌زن عمل می‌کنند باید از کشورهای اروپایی اخراج شوند.
- 5 - دولت‌های غرب باید سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی خود را از مرآده و تماس با وزارت اطلاعات بدنام رژیم و نیروی تروریستی قدس که راه را برای ورود مزدوران رژیم باز می‌کند، برحذر دارند.
- 6- اخبار طرح‌ها و عملیات و اقدامات تروریستی رژیم، اسامی مزدوران و عوامل وزارت اطلاعات و نیروی تروریستی قدس در اروپا و اسامی موجودیت‌های پوششی و لابی‌های این رژیم، باید بدون هرگونه ملاحظه تجاری و دیپلماتیک، منتشر و به اطلاع همگان برسد.
- 7 - ما از همه مجالس قانون‌گذاری اروپا و آمریکا می‌خواهیم قوانین نافذی برای اخراج عوامل وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران از کشورهای خود تصویب کنند.
- امیدوارم که همه دولت‌ها به این فراخوان پاسخ مثبت بدهند، زیرا منافع خود آن‌ها و امنیت مردم‌شان در گروی این قاطعیت و اقدامات است.
- آنچه مردم و مقاومت ایران از این دولت‌ها خواسته و می‌خواهند ایستادگی در برابر یک تروریسم غدار دولتی و نخستین حامی و بانکدار تروریسم بین‌المللی است. زمان آن است که بی‌اعتنایی‌ها به سرنوشت و امنیت و صلح مردم جهان متوقف شود.

هر قاطعتی علیه این رژیم و هر قدمی علیه رژیم در هر کجای جهان، یاری رساندن به مبارزه
مردم ایران برای سرنگونی رژیم و در خدمت صلح و امنیت بین المللی است.
از همه شما متشکرم.